[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

ارتقای کیفی خانه با عنصر خیرخواهی

پریسا هاشم پور */ محمدعلی کی نژاد**

تاریخ دریافت مقاله: 1391/01/17
تاریخ پذیرش مقاله: 1391/03/31

چکیده

خانه مکان و بستر سکونت انسان است. خانه چیزی فراتر از کالبد است هر چند که در کالبد عینیت یافته است. خانه در عین آن‌که شکل گرفته از نیازها، خواست‌ها و ارزش‌های انسانی است، بر آن تأثیر گذاشته و این تأثیر آنقدر زیاد است که می‌توان گفت خانه نقشی حیاتی در زندگی انسان دارد. توجه به بعد مادی و دور شدن از کیفیت در مساکن، امروز یکی از علتهای مشکلات روحی روانی انسان است که او را از خواست‌ها و نیازهای درونی و ذاتی دور کرده و از خود بیگانه می‌کند.

هدف اصلی این مقاله تبیین عناصر ارتقای کیفی خانه است که با همسو کردن وجوه کیفی در راستای عنصر خیرخواهی به این هدف نزدیک می‌شود. در این مقاله فرض بر آن است که ارتقای کیفی خانه با شناخت و به‌کارگیری عنصر خیرخواهی محقق می‌گردد. عنصر خیرخواهی ریشه در فطرت انسان دارد و بیانگر گرایش‌های مقدس انسانی است. تجلی عنصر خیرخواهی در خانه الگوهای ماندگاری را برای خانه متصور می‌سازد که این الگوها فراتر از زمان و مکان بوده و همیشه ارزشمند هستند. این مقاله پس از آشنا نمودن با مفهوم سکونت و عنصر خیرخواهی در پی شناخت وجوه کیفی خانه است که با گذری بر مطالعات انجام گرفته در این زمینه، وجوه کیفی خانه را در پنج وجه اجتماعی، فرهنگی، روانی، معنوی و فیزیکی تبیین نموده است. سپس عنصر خیرخواهی با هریک از وجوه کیفی همسو شده است. در نهایت این مقاله مشخص نموده که در صورتی که وجوه کیفی خانه در راستای عنصر خیر خواهی باشد خانه را به سمت خانه خیر رهنمون ساخته و موجب ارتقای کیفی آن می‌شود.

واژگان کلیدی: سکونت، خانه، عنصر خیرخواهی، وجوه کیفی خانه.

* پژوهشگر و هیأت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز. hashempour@tabriziau.ac.ir
** استاد دانشگاه تبریز.

- این مقاله برگرفته ازمباحث نظری رساله دکتری با عنوان" پایداری فرهنگی خانه (بررسی و شناخت عناصر پایدار فرهنگی برای ارتقای کیفی خانه)" است که با راهنمایی اساتید بزرگوار دکتر هادی ندیمی و دکتر محمد علی کی نژاد و به مشاوره دکتر عیسی حجت انجام گردیده است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

مقدمه

چیست اندر خانه کاندر شهر نیست
چیست اندر جوی کاندر نهر نیست
این جهان جوی است و دل چون نهر آب
این جهان خانه است و دل شهری عجاب
(مولوی)

امروزه با پیشرفت روزافزون تکنولوژی، مسائل مربوط به عدم مقاومت و عدم پاسخگویی به شرایط اقلیمی در خانه به حداقل خود رسیده و می‌توان گفت بهترین زمان برای توجه به ابعاد کیفی فضای سکونت است. "امروزه تعیین ارزش‌های مطلوب و ایجاد بنیان مفهومی (جهت به‌کارگیری ارزش‌ها) در بهبود طراحی خانه مهم است". (Kowaltowski,2011: 2) توجه به بعد کیفی زندگی انسان، توجه به ارزش‌های انسانی است، ارزش‌های بر گرفته از گرایش‌های انسانی، ارزش‌های متعالی و مقدسی است که انسان را به خوبی، نیکی، حسن، زیبایی، حقیقت و عشق فرا می‌خواند. عنصر خیرخواهی برگرفته از ارزش‌های اخلاقی است. خانه‌ای که با درک و به‌کارگیری این عنصر ساخته شده باشد حس رضایتمندی به همراه مطلوبیت را داراست و در ارتقای زندگی انسان مؤثر است. حضور عنصر خیرخواهی در خانه، ویژگی‌هایی را معرفی می‌کند که بیان معماری آن‌ها هدف اصلی این مقاله است. خانه‌ای که با به‌کارگیری این عناصر طراحی و ساخته شود، خانه‌ای آشنا و همیشگی برای ساکنان خواهد بود، خانه‌ای که احساس آرامش را به همراه یکی بودن و احساس مطلوبیت را به همراه آزادگی و احساس رضایتمندی به همراه حس تعلق در آن قابل درک می‌باشد. زندگی در چنین خانه‌ای ارتقای کیفی زندگی انسانی را به ارمغان خواهد آورد، بر اساس نظر هایدگر که "انسان بودن" را با "هستی و سکنی گزیدن او" معادل در نظر گرفته است (هایدگر،1971).

چنین خانه‌ای فراتر از محل سکونت، محل زندگی کردن است محلی که تجربه انسان شدن را ممکن می‌سازد.

نوع تحقیق در این مقاله کیفی می‌باشد که با روش استدلال منطقی در پی اثبات این ادعا است که ارتقای کیفی خانه با شناخت و به‌کارگیری عناصر پایداری که برگرفته از گرایش‌های انسانی است، به‌دست می‌آید. عناصر پایداری که " با مدد گرفتن از معرفت مشترک انسان‌ها که از ورای تنازعات فرهنگی، تاریخی و فکری، آنان را در پیوندی فراتر از زمان و مکان انسجام بخشیده، به زبانی همه فهم می‌رسد" (ندیمی، 1386: 103) یکی از این عناصر، عنصر خیرخواهی است. در این مقاله ابتدا مفهوم سکونت ذکر شده و پس از معرفی عنصر خیرخواهی، وجوه کیفی خانه شناسایی و بیان شده‌اند و در نهایت وجوه کیفی همسو با عنصر خیرخواهی تیبین می‌گردد.

سؤالات مقاله

در راستای هدف تحقیق سؤالات زیر مطرح می‌گردد:
منظور از وجوه کیفی خانه چیست؟
چگونه وجوه کیفی می‌تواند انعکاس دهنده عنصر خیرخواهی باشد؟

مفهوم سکونت

انسان اولیه پس از سرگردانی طاقت فرسای دوران دیرینه سنگی با کشف کشاورزی و انتخاب یکجا نشینی، محیط سکونتش را بر اساس احساس لزوم به ساکن شدن در یک نقطه شکل داد. انسان ها یکجا نشینی را برگزیدند و به ایجاد اقامتگاه‌های دائمی و ساخت خانه و سایر بناها اقدام کردند. این امر به واسطه اهلی شدن انسان‌ها و همچنین اهلی سازی حیوانات و گیاهان ممکن گردید. (راپاپورت، 1993) در این دوره از زندگی دیگر انسان نیاز نداشت با حرکت بیرونی و جابه‌جایی امورات خود را بگذراند و با سکنی گزینی امکان توجه به خود و درون خود فراهم شد.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

واژه سکونت به معنای اقامت کردن و آرامش یـافتن در لغت نامه دهخدا و در فرهنگ معین به معنی اقامت کردن و ماندن با آرامش است. کلمه آرامش پس از اقامت یافتن و ماندن بار معنایی دارد که آن را از مانـدن و شـب را بـه صبح رساندن صرف جدا مـی‌کنـد. هایـدگر سـکونت بـا آرامش را اینگونه بیان می‌کند:" سکنی گزیدن، برای ایجاد آرامش بین فرد و جهان صـورت گرفتـه و بـا سـاختن از طریق شرایط حضور عناصر چهار گانـه (زمـین، آسـمان، فانیان و باقیان) شکل می‌گیرد (شـار،1388: 78). باشـلار سکونت را بـرای خیـال پـردازی مـی‌دانـد کـه لازمـه آن آرامش یافتن از طریق سکونت است " برای بهره بردن از رویا پردازی چنین خیالی، بی هیچ تردیدی در وهله اول باید خود را در " دستان آرامش" قرار داد. یعنی در خـود فرو رفت و خود را کاملاً در دل آرامش یلـه کـرد و ایـن ارزشی است که فرد به راحت‌ترین نحـو"دردسـت" دارد. (باشلار، 1385: 45)

حال سؤالی که به ذهن متبادر می‌شـود ایـن اسـت کـه ضرورت سکونت با آرامش چیست؟ به عبارتی چرا برای سکونت نیازمند آرامـش هسـتیم؟ شـاید از ایـن رهگـذر بتوان به هدف نهایی از سکونت پی برد.

سکونت را می‌توان شکوفا شدن و به ثمر رسیدن آنچـه که در نهاد انسان‌هاست، تعریف کرد. انسـان بـا سـکونت می‌تواند آنچه که بالقوه دارد بالفعـل کنـد. بـه عبـارتی بـا سکنی گزینی و توجه به درون، انسان به مرحله شدن پس از بودن می‌رسد. هایدگر سکونت را بودن با چیزها تعبیـر می‌کند (شوای، 1375، 436) و این در حالی‌ست که پـس از بودن باید پـا را فراتـر گذاشـت و در پـی یـافتن شـد. رسیدن به خودآگاهی و بازشناسی درون خود با سـکونت ممکن مـی‌گـردد. لـوینز ایـن مطلـب را اینگونـه مطـرح می‌کند: " انسان سکونت را به‌عنوان یک بازشناسـی، یـک آمدن به خود، یک عقب نشینی به خود و پنـاه گـرفتن در یـک زمـین تصـور مـی‌کنـد". (Levinas, 1971: 156) سکونت برای خودآگاهی و یافتن هسـتی خـود بـا خلـق تصور خود از جهان همراه است. رابطه انسان با جهان بـه شفاف شدن موقعیت شـخص نسـبت بـه محـیط اطـراف می‌انجامد. کوپر مارکوس سکونت را خلـق جهـان خـود دانسته و معتقد است: انسان با قبـول مسـئولیت آفـرینش جهانی که برای سکونت انتخاب کرده است نه تنها ایجـاد بی نظمی در آن را ایجاد بی نظمـی در عـالم مـی‌شـمارد، بلکه عالم صغیر خود را شبیه به جهان خدایان می‌سازد و این چنین بدان خدایان قداست می‌بخشد... به همین علت است که سکونت در هر جا- از ساختن دهکده گرفته تـا خانه- نشان دهنده تصمیمی جدی است؛ زیرا پای هستی خود انسان در میان است (کوپر مارکوس،1382: 113).

شولتز مـی نویسـد:" اگـر بـا داشـتن حکمـت کـافی و گسترده به فعل سـکنی گزیـدن بیندیشـیم، آن گـاه آن را حاکی از راهی خواهیم یافت که آدمی سـرگردانی از بـدو تولد تا لحظه مرگ خود روی زمین و زیر پهنه آسـمان را بر آن به پایان می‌رساند" (شولتز، 1389: 28) با این تعابیر سکونت را می‌توان مقر آغـاز و پایـان راه انسـان در ایـن جهان تصور کـرد. آغـاز و پایـان در مسـیری کـه بیهـوده نیسـت و هـدف از خلقـت را در خـود گنجانـده اسـت. چگونگی سکونت کردن و نحوه سکنی گزیدن مـی‌توانـد مسـیر انسـان در ایـن ره را همـوار کنـد. بـا سـکونت در آرامش، امکان بالفعل کردن آنچه که بالقوه در نهاد انسـان است، ممکن می‌گردد. ایـن سـکونت شـاعرانه زیسـتن و خیالپردازی کردن را نقابی برای تأمل در خود می‌داند. این سکونت، شکل گرفته از زندگی انسان و در جهت هـدف خلقـت انسـان اسـت. در ایـن سـکونت قـرار اسـت اتفاق‌هایی از جنس بودن، رفتن و یافتن انجام گرفته و بـه واسطه آن انسان از عالم صغیر به عالم کبیر برسد. بنابراین هدف از سکونت را می‌توان رسیدن به حقیقـت از طریـق

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

آرامش یافتن، شناختن خود و جهان خود تصور کرد و سکونت را ردپای انسان برای تعالی دانست.

عنصر خیرخواهی

عنصر خیرخواهی یکی از گرایشهای مقدس انسانی[1] است که در نهاد انسان قرار دارد و او را به سمت کمال حقیقی هدایت می‌کند. خیر در لغت نامه دهخدا به معنای نیکویی و خوبی در مقابل شر، کرم و بزرگواری و نجابت آورده شده است. طباطبایی در اهمیت خیر می نویسد: " علم حق تعالی در مرتبه ذاتش به نظام خیر، غایت فاعلیت ذاتی است (طباطبایی،1363: 71). افلاطون برترین سعادت حقیقی انسان را رسیدن به خیر اعلی می‌دانست و معتقد بود: " برترین خیر انسان، تکامل حقیقی شخصیت انسان به‌عنوان موجود عقلانی و اخلاقی و رشد و پرورش نفس است(محمد رضایی، 1387: 85).

بنابراین خیر هر قوه عبارت است از کمالی که به او اختصاص دارد و به حسب استعداد نخستین و فطری به سوی آن می‌رود (ابن سینا،1375: 334-347). ملاصدرا در اسفار اربعه به خیریت وجود اشاره کرده و سعادت نهایی را در صورت تحقق آن می‌داند و معتقد است: "خیر چیزی است که هر موجودی به آن اشتیاق دارد و برگزیده و اراده کرده است؛ خیر آن است که اراده و خواست آدمیان به خاطر او تحقق یافته و او سبب ترجیح و ملاک ترجیح قرار گرفته است وجود و خیر مانند نوری می‌ماند که همواره فیاض علی الاطلاق به مخلوقات افاضه می‌شود "(صدرالمتألهین، ج 1: 340؛ ج 4: 122؛ ج7: 58). صدرالمتألهین وجود را خیر محض می‌داند، زیرا این خیریت وجود، تنها در بعد نظری و کمالات هستی شناسی کاربرد ندارد بلکه بعد ارزشی و حکمت عملی انسان را نیز می‌تواند تحت پوشش قرار دهد؛ چون وجود خیر است، خیر و کمال ارتباط تنگاتنگ با استکمال نفس انسانی و ادراک عقلانی و سعادت انسانی دارد، خواه این ادراک مربوط به قوه نظری باشد یا عملی، بهجت لذت و سعادت انسان را در پی دارد (صدرالمتألهین، ج 9: 121). (محمد رضایی،1387: 90). بنابراین حکمت عملی انسان ریشه در خیریت وجود دارد و سعادت انسان در گرو حصول آن است. براین اساس ریشه اصول اخلاق فاضله در عنصر خیر و فضیلت نهفته است. علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان اصول اخلاق فاضله را در عفت، شجاعت، حکمت و عدالت بیان می‌کند که هر یک از آن‌ها فروعی دارند که نسبتش به آن اصول نسبت نوع است به جنس و عبارتند از جود، سخا، شکر، صبر، شهامت، جرات، حیاء، غیرت، خیرخواهی، نصیحت، کرامت و تواضع و غیره که همه فروع اخلاق فاضله هستند (طباطبایی،ج1: 1382). مطهری در کتاب فطرت، خیر و فضیلت را به دو حوزه فردی و اجتماعی تقسیم می‌کند که حوزه فردی ویژگی‌هایی چون نظم و انضباط، تسلط بر نفس، شجاعت و... است و حوزه اجتماعی ویژگی‌هایی چون تعاون، کمک به دیگران، احسان و نیکوکاری، فداکاری و ایثار است (مطهری، 1379). هر یک از ویژگی‌های ذکر شده، فضایل اخلاقی بوده و بیانگر ارزش‌های اخلاقی است. براین اساس توجه به عنصر خیرخواهی توجه به ارزش‌های اخلاقی است. ارزشهای اخلاقی که به‌صورت شخصی و جمعی در رفتار و منش فکری شخص بروز می‌کند و گویای انسانیت اوست. ارزش‌های اخلاقی طیفی از ویژگی‌های رفتاری را شامل می‌شود که با معیار عدالت، حکمت، طهارت و پاکی و شجاعت قابل سنجش و ارزیابی است. کنشی که عادلانه، حکیمانه، مطهرانه و شجاعانه باشد مظهر ارزش اخلاقی است که در هر مکان و زمانی مورد ستایش و پذیرش است. غایت اخلاق، "الهی شدن" و حرکت به سوی معبود یا رسیدن به مقام "تخلقوا باخلاق الله" (خودتان را به اخلاق الهی آراسته کنید) است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

وجوه کیفی خانه

هدف از ایـن بخـش، بازشناسـی و یـافتن وجـوهی از مسکن است که شرایط زندگی ایده آل را برای انسانی که جنبه‌های فیزیکی، روانی، روحی و معنوی دارد، مهیا کند. با در نظر گرفتن مفهـوم سـکونت و نقشـی کـه خانـه در زندگی انسان‌ها می‌تواند داشته باشد تفحص بـرای یـافتن وجوه کیفی ضرورتی انکارناپذیر است. "بین ویژگی‌هـای محیط سـاخته شـده، آسـایش و سـلامتی روحـی رابطـه مستقیم وجود دارد. مطالعات کیفی مشخص مـی‌کنـد کـه ویژگی‌هایی از محیط ساخته شده مانند خانه‌ها، سازگاری بصری، دسترسی به فضاهای سبز و فضـاهایی کـه امکـان برخوردهای اجتماعی را فراهم می‌کنـد در رفـاه، کیفیـت زنـدگی و سـلامتی روحـی و روانـی مـؤثر اسـت". (Gibson, 2011: 560)

عوامل مؤثر در کیفیت سکونت طیف وسیعی از عوامـل مؤثر در زندگی انسان را دربر می‌گیـرد کـه بخشـی از آن ایستا و ثابت نیست و به اقتضـای شـرایط زنـدگی تغییـر می‌کند. لارنس با اشاره به مجموعه عوامـل معتقـد اسـت: " کیفیت خانه، یک مفهوم پیچیـده‌ای اسـت کـه ایسـتا و ساکن نیست" (Lawrence, 1995, p. 1658) متغیر بودن عوامل بستگی به شرایط سنی، جنسـی، روحـی روانـی و محـیط فرهنگـی و اجتمـاعی سـاکنان دارد. کـه موجـب درجه‌بندی وجوه براساس اهمیتی که برای افراد می‌توانـد داشته باشد، می‌شود. بدین معنا که" کیفیـت محـیط‌هـای مسکونی یک مفهوم سلسله مراتبـی بـا ویژگـی چندگانـه است".(Anpoll, 1997)

وجوه کیفی خانه مجموعه‌ای از عوامـل و ویژگـی‌هـای کیفـی زنـدگی انسـان اسـت کـه در صـورت شـناخت و به‌کارگیری در طراحی خانـه باعـث ارتقـای کیفـی خانـه می‌شود. در ابتـدا گـذری بـر مطالعـات انجـام گرفتـه در وجوهی که توسط صاحبنظران ارائه شده خواهیم داشـت و پس از این تفحص وجوه کیفی خانه ارائه می‌شود.

گذری بر مطالعات انجام گرفته در وجوه کیفی خانه

با توجه به اینکه خانـه مفهـوم چندگانـه‌ای دارد؛ طیـف وسـیعی از مباحـث مربـوط بـه زنـدگی انسـان را در بـر می‌گیرد و وجوه مختلفی دارد. در تحقیقات انجـام گرفتـه در این زمینه به جنبه‌های گوناگونی اشـاره شـده کـه در ادامه آورده شده است. در تعـدادی از ایـن تقسـیمات بـه امکاناتی که خانه از نظر موقعیت قرارگیـری و تأسیسـات مکانیکی در اختیار انسان قرار می‌دهد توجه شـده اسـت. مانند تقسیم بندی که گودون انجام می‌دهد. گودون بـرای تعیین کیفیت خانه 8 مورد را مطـرح مـی‌کنـد کـه شـامل فاصله از نزدیک ترین بیمارستان، فاصله از سیستم حمـل و نقل عمومی، فاصله از مدرسه، انواع سیستمهای پخـت، استفاده از سوختهای نوری، مصالح به‌کار رفته در ساخت، منبـع اصـلی آب و فاصـله از نزدیکتـرین بـازار اسـت (Godwin,2001).

وجوه کیفی از نظر امنـول بـه دیـدگاه گـودون نزدیـک است که شاخص‌های کیفی مسکن در 13قسمت مطـرح شده است که عبارتند از فاصـله از سیسـتم حمـل و نقـل عمومی، فاصله از نزدیکترین بیمارستان، فاصله از مدرسه، نوع سوخت نـور، نـوع سـوخت پخـت و پـز، فاصـله از نزدیک ترین مرکز تجـاری، نـوع مصـالح دیوارهـا، منبـع اصلی آب، فاصله از نزدیک ترین منبع آب، نوع مالکیت، نوع سیستم فاضلاب ، نوع مصالح سقف. (Emmanuel 2001, که ابعاد فیزیکی و ملموس چون موقعیـت بنـا و نوع سوخت و سیستم فاضلاب مد نظر بوده است.

از جمله تقسیماتی که به جنبه‌هـای اجتمـاعی بهـا داده است دیدگاه استرسمن اسـت استرسـمن خانـه را شـامل مباحث اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی دانسته که بحثهـایی در ارتبـاط بـا موقعیـت، کیفیـت سـاخت، دوام، هزینـه و سرمایه، دسترسی‌هـا، اولویـت‌هـای سـاکنان و پیامـدهای همسـایگی را شـامل مـی‌شـود. (Strassmann,1998)

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

اولویت‌های ساکنان و پیامدهای همسایگی جنبه‌های اجتماعی است که در پی توجه به زندگی اجتماعی در خانه یا واحد سکونتی بیان شده است.

در تقسیم بندی که توسط منگ انجام گرفته است ضوابط کیفی خانه (HQI) در 8 گروه به شکل زیر آورده شده است: 1. پایداری فیزیکی شامل مصالح سقف، دیوار و کف 2. تراکم فضاها، افراد اتاق‌ها، افراد اتاق خوابها، آشپزخانه، اتاق شست و شو 3. خدمات خانه مانند آب و برق و .. 4. امنیت 5. مالکیت 6. دسترسی 7. امکانات دیگر شامل اینترنت و... 8. قیمت خانه. این 8 مورد برای سنجش کیفی خانه بیان شده است (Meng,2006:419) تراکم فضاها ازنظر تعداد افراد استفاده کننده از ویژگی‌های مورد توجه منگ است که در دیگر تقسیمات وجود ندارد.

برت ضمن توجه به مباحث اجتماعی به جنبه‌های اقتصادی خانه از نظر قابل تهیه بودن با شرایط ملکی امن توجه کرده است. برت ویژگی‌های زیر را در کیفیت زندگی در خانه مؤثر می‌داند که شامل ویژگی‌های فیزیکی (مانند کیفیت، امنیت و دسترسی، ارتباط خانه با ساکنینش به گونه‌ای که فضای کافی داشته باشد)، قابل تهیه و خریداری، ثابت و انتخابهای ملکی امن داشته باشد.(Bratt, 2002)

زبردست معتقد است: "خانه یک مؤلفه اساسی برای کیفیت زندگی انسان است" (Zebardast, 2009, p311) و 19 شاخص را در هفت بخش بیان کرده است. در این بخش‌ها ضمن عدم توجه به موقعیت و دسترسی‌های خانه و ویژگی‌های اجتماعی، وجوه کالبدی را با تفصیل بیشتر نسبت به بقیه تقسیمات مطرح کرده است که شامل یکپارچگی خانه‌ها، سازگاری خانه‌ها، فضای خانه‌ها، کیفیت خانه، خدمات اساسی خانه، استحکام خانه و مالکیت امن است. (Zebardast,2009,p312) براساس این تحقیقات وجوه کیفی در پنج بخش به‌صورت زیر قابل تفکیک است: موقعیت و دسترسی، جنبه‌های اقتصادی و مالی، جنبه‌های فیزیکی و کالبدی، وجوه اجتماعی و امکانات و تأسیسات.

برای جمع بندی وجوه کیفی ارائه شده ضمن پذیرش وجه تمایزها در وجود و اهمیت جوانب مطرح شده، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که وجوه کیفی در بعد فیزیکی در تمام نظرات مورد توجه بوده و وجوه اجتماعی به‌صورت ناقص در نظرات تعدادی چون استرسمن به چشم می‌خورد و وجوه معنایی و فرهنگی در تقسیمات آورده شده، نادیده گرفته شده‌اند. این در حالیست که وجوه کیفی خانه برای رفع خواست‌ها و نیازهای انسانی باید به تمام ابعاد زندگی انسان بپردازد و با دارا بودن مجموع وجوه کیفی شرایط زندگی مطلوب را فراهم کند. با در نظرگرفتن تعریفی که از خانه در این تحقیق مد نظر است:

خانه به‌عنوان" فضای معنوی"، "پناه امن" ، "نهاد اجتماعی" ، "نشان فرهنگی" و "کالبد فیزیکی " فضایی است که تجلی عناصر پایدار در آن موجب ارتقای کیفیت سکونت می‌شود."[2]

و با حذف جنبه‌های اقتصادی خانه، وجوه کیفی خانه را می‌توان به بخش‌های زیر تقسیم کرد، که عبارتند از:

وجوه معنوی، وجوه اجتماعی، وجوه فرهنگی، وجوه روانی، وجوه کالبدی.

وجه معنوی

وجه معنوی، وجوهی از خانه است که به بعد معنوی زندگی انسان پاسخگو است و به هدف غایی از خلقت انسان توجه می‌کند. خانه‌ای که دارنده این وجوه است مکان تفکر و ذکر و بستری برای تقدس دهی به زندگی انسان است. تعریفی که اردلان و کاندیلیس در مورد خانه ایرانی بیان کرده‌اند به این دیدگاه نزدیک است:" خانه ایرانی، جلوه مستقیم ارزش‌های معنوی و فرهنگی و شیوه زندگی بود. خانه مکان مقدسی بود که ارزش‌های

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

کیهـانی، جهـات مقـدس و ارزش‌هـای ماوراءالطبیعـه را شامل می‌شد." (Candilis,1970) وجوه معنوی انسان را به تفکر و تأمل در خلقت وا داشته و از ایـن طریـق او را به حقیقت والا نزدیک می‌کند. مسـکن سـنتی دارای ایـن وجـوه اسـت زمـانی کـه " مسـکن سـنتی محـل ذکـر خداست؛ مکانی است که در آن بـه مقصـود نهـایی خـود می‌رسد و مکان انتقال است از این دنیای فانی بـه سـرای باقی. لذا مسکن سنتی نه به معنـای جـایی بـرای بـودن و ماندن، بلکه جایی اسـت بـرای شـدن" (مسـائلی، 1388: 29) براین اساس وجوه معنوی رمـوزی از حقیقـت برتـر است که موجب اتصال به معبود حقیقی می‌شود.

وجه روانی خانه

وجوه روانی شامل جنبه‌هایی از سکونت اسـت کـه در سلامتی روحی و روانی تأثیر می‌گذارد. نتیجه تحقیقـات شاو، ویلکنسون، تامسون و پتکریو به ایـن مسـئله تأکیـد می‌کند. " خانـه‌هـای بـا کیفیـت پـایین موجـب کـاهش سـلامتی روحـی سـاکنان مـی‌شـود". (Shaw,2004; Wilkinson,1999) و در مطالعاتی دیگر بیان شده اسـت: "بهبود کیفی خانه تأثیر مثبت در سلامتی روحی و روانـی انسـان دارد ." (Thomson & Petticrew, 2005) وجـوه روانی در پی عواملی است که با حصول آن امکان زیستن در خانه‌ای آرام، امن و صمیمی فراهم شود.

چنین مکانی در کنار سـازگاری بـا الگوهـای رفتـاری، دارای ویژگی‌هایی است که به شخص و فضای شخصـی و امن افراد احترام گذاشته و آن‌را حفظ می‌کند. سازگاری با الگوهای رفتاری ساکنان، "مکانی تطبیق پذیر و انعطاف پذیر" (لنگ، 1381: 134) شکل می‌دهد که در آن امکـان ایجاد تغییرات متناسب با شرایط روحی و روانـی ممکـن می‌گردد که در نهایت منجر به وابسـتگی و دلبسـتگی بـه خانه شده و آن را قابل کنترل برای شخص می‌کند.

دارا بودن حس تعلق، ایمنـی و خلـوت بـه همـراه حفـظ قلمرو از ویژگی‌های رفتاری است کـه در صـورت بـروز در خانه موجب می‌شود ساکنان خانـه را بـا عبـارات توصـیفی شـاد، فـوق العـاده و خـوب بیـان کننـد (Katherine,2006 :465) این معیارهـای رفتـاری، تعریـف کننـده فضـای امـن روانی هستند. در خانه‌ای که شخص اسـتقلال فـردی دارد و امکان خود ارزیابی را پیدا می‌کند، احسـاس خلـوت شـکل می‌گیرد که یکی از وجوه روانی برای احساس امنیت است.

شخصی سازی با کنترل قلمرو مکانی موجب تغییراتـی در خانه می‌شود. این تنوع و تفاوت با شخصـی سـازی و ایجاد قلمـرو، حـس مکـان را شـکل مـی‌دهـد. هربـرت گنز (1967) می‌نویسد: "مـردم تنـوع ظـاهری خانـه‌هـا را ترجیح می‌دهنـد، در عـین حـال بـرای تقلیـل یکنـواختی ظاهری خانه‌ها و ایجاد نشانه‌هـای شخصـی بـرای خانـه خـود، تغییراتـی در داخـل و خـارج آن ایجـاد مـی‌کننـد. "(لنگ، 1381: 168). شخصی سازی بـا افـزایش انطبـاق، مکان تطبیق پذیر و متمایز می‌سازد.

قلمروپـایی بـا تعیـین نظـام قلمروهـای انسـانی و عرصه‌بندی فضایی، خانه را به فضاهای خصوصـی، نیمـه خصوصی و نیمه عمومی تقسیم مـی‌کنـد. اسـکار نیـومن (1972-1979) معتقـد اسـت کـه سلسـله مراتـب قلمـرو مکـانی [بـا جـدا کـردن حـد و مـرز فضـاها] بـا زمینه‌های به‌وجود آورنده خلوت، برای احساس بهزیستی مهم هستند و به احساس امنیـت انسـان کمـک مـی‌کننـد (لنگ، 1381: 171).

حس تعلق خاطر به خانـه در راسـتای حـس تعلـق بـه مکان است که خانه را مکـانی خـاص و منحصـر بـه‌فـرد برای سـاکنان مـی‌کنـد. عبـارت "هـیچ جـایی، خانـه آدم نمی‌شود" بیانگر آرامش، صمیمیت و تطبیق پـذیری و در نهایت حس تعلق به خانه است. خانه با دارا بودن نشانه‌ها که ممکن عناصر طبیعـی یـا دسـت سـاخته بشـر باشـند،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

محیطی خاطره انگیز می‌شود. اینجاست که خانه تکیه‌گاه روانی شخص شده و نیاز به برگشت به آن غیرقابل انکار می‌شود. " تعلق مکانی (به خانه) در واقع رابطه هم پیوندی است که میان انسان و محیط برقرار گردیده است. بر اثر این رابطه، محیط به یک لنگرگاه روانی بدل می‌گردد" (کوپر مارکوس، 1382) این مسئله را راپاپورت بدین صورت بیان می‌کند: "محل سکونت، لنگرگاه اولیه فرد را تشکیل می‌دهد"(Rapoport, 1990). دیدگاه باشلار که " خانه مکانی است که همچون تکیه‌گاه آشنا به پشتیبانی ما می‌نشیند" (شولتز،1389: 141) مؤکد این مسئله است. حس تعلق به خانه با بازآفرینی خاطرات و نشانه‌ها، خانه را تکیه‌گاه امنی می‌کند که انسان نیازمند برگشت به آن است.

یکی دیگر از ویژگی‌های روانی خانه به مبحث هویت دهی و تأثیر خانه درنشان دادن هویت انسانی است. شولتز می‌نویسد: "هویت فردی در سکونت خصوصی [خانه] مستتر است که برای یافتن آن به خانه عقب نشینی می‌کنیم". (شولتز،1389: 141) مطابقت خانه با هویت شخصی، در احساس امنیت و آسایش روانی مؤثر است. شولتز با اهمیت دادن به آسایش در خانه، رابطه آن را با هویت اینگونه بیان می‌کند:" خانه با مطرح شدن به‌عنوان پیکره‌ای معمارانه در محیط، هویت ما را محرز کرده و امنیت را بر ما ارزانی می‌دارد و سرانجام، هنگام پای نهادن به خانه به «آسایش» دست می‌یابیم". (شولتز،1389: 144) در این‌صورت هویت خانه برگرفته و انعکاس دهنده هویت شخص است که با درک آن، هویت شخص قابل شناسایی خواهد شد.

وجه اجتماعی خانه

وجه اجتماعی خانه، در پی ایجاد محیطی است که ضمن هماهنگی با محیط اجتماعی، شرایط مطلوب برای روابط اجتماعی و تعاملات اجتماعی را فراهم کند. نیاز انسان به زندگی اجتماعی انگیزه لازم برای استفاده از فرصتها برای برقراری روابط بین انسان‌ها را به‌وجود می‌آورد، انگیزه‌ای که در نهایت در رشد فردی مؤثر است. فضای سکونتی یکی از فضاهایی است که با به‌کارگیری الگوهای تعامل اجتماعی، نقش مهمی در بهبود محیط اجتماعی دارد.

اریکسون کاربرد اجتماعی سکونت را به‌عنوان ساختار ابزاری می‌داند که امکان برخورد و با هم انجام دادن فعالیت‌ها را برای مردم به‌وجود می‌آورد و فضای سکونت می‌تواند برای برخوردهای اجتماعی و فعالیت‌های جمعی مانع باشد یا آن‌ها را تقویت کند (Eriksson, 1994) در این مورد کریستوفر الکساندر می‌نویسد: (۱۹۷۲،۱۹۷۷) ملاقات‌های گاه به گاه و غیر رسمی زمینه ساز توسعه دوستی‌ها و روابط روزمره مردم است (لنگ،1381: 187). که برای زندگی اجتماعی ضروری است. فضای مسکونی می‌بایست قادر به ارائه فرصت‌های متنوع بالقوه و بالفعل به ساکنانش باشد تا از این طریق امکان مراودات اجتماعی را افزایش دهد.

در محیط اجتماعی خانه، واحدهای همسایگی نقش مهمی دارد. اینکه مردم علاقمند به چه نوع محیط اجتماعی هستند به همسایه‌ها و روابط همسایگی بین آن‌ها مربوط می‌شود. "ساکنین که در یک واحد همسایگی زندگی می‌کنند یک حس تعلق بین همسایه‌ها به‌وجود می‌آید و هویت جمعی شکل می‌گیرد". (Bardo, 1984) احساس تعلق و همبستگی جمعی در واحد همسایگی موجب شکل‌گیری هویت اجتماعی می‌شود. جنکینز بر این اعتقاد است که "هویت جمعی برخلاف هویت فردی بر شباهت‌ها تأکید دارد و در چارچوب یک سرزمین یا منطقه جای می‌گیرد". (جنکینز،1381: 34) . " تئوری هویت اجتماعی3 می‌تواند شامل جنبه‌هایی از مکان و همسایگی باشد". (Hauge, 2007) هویت

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

اجتماعی فضای سکونت، با اشتراکات اجتماعی ساکنان در سبک زندگی و موقعیت‌های اجتماعی در محیط مسکونی شکل می‌گیرد که از سویی به همسایگان و نوع روابط اجتماعی وابسته است و از سوی دیگر آبشخور مکان و ساختار فیزیکی است که به کمک سمبلهای فیزیکی هویت جمعی را تقویت می‌کند. به عبارتی هویت جمعی به‌دست آمده از همسایگان و ساکنان در قلمروهای عینی و مادی مجموعه مسکونی ظهور و تجلی پیدا می‌کند. واحدهای همسایگی همگن ضمن تقویت هویت اجتماعی، عزت نفس ساکنان را افزایش داده و شرایط لازم برای زندگی اجتماعی مثبت و بدور از تنش را فراهم می‌کند.

وجه فرهنگی خانه

گوناگونی و تفاوتهای فرهنگی در جوامع مختلف منجر به شیوه‌های متفاوت زیست شده است. که ریشه در عناصر ناپایدار[4] فرهنگی دارد. توجه به این شیوه‌های زیست، تعیین کننده وجوه کیفی فرهنگی است. شیوه نگرش، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات برگرفته از فرهنگ است، فرهنگی که انسان براساس آن دست به ساخت مصنوعات می‌زند. لذا مصنوعات ساخته انسان ریشه در فرهنگ بومی دارند. یکی از مصنوعات ساخته بشری خانه است که شکل عینیت یافته فرهنگ مردمی است. با درک و شناخت فرهنگ بومی یا مردمی یا فرهنگ توده‌ای خانه طراحی و ساخته شده، مطلوبیت مردمی به‌دست می‌آورد و به قول حسن فتحی: "....افراد می‌بایست در این خانه‌ها چنان طبیعی زندگی کنند که انگار جامه‌هایشان را می‌پوشند." (فتحی، 1382)

" بسیاری از تفاوتهای موجود در نحوه انجام فعالیت‌های اساسی مردم می‌تواند ناشی از تفاوت‌های فرهنگی باشد" (Rapoport and Waston 1972: 33-35) نوع فعالیت‌ها و نحوه انجام، زمان و مکان مورد نیاز برای انجام و ملزومات و شرایط لازم از فرهنگ نشأت گرفته و نقش اساسی در شکل خانه، نوع فضاها و روابط بین فضاها دارد که راپاپورت آن را نقش تعیین کننده بیان می‌کند. شیوه سکونت برگرفته از گذشته است که با تغییراتی در حال و آینده زیست می‌شود. گاهی با حفظ آثار تاریخی ارزشمند به‌عنوان نمادی از اصالت و ریشه دار بودن و یا باز گویی خاطراتی از گذشته و خانه کودکی بازآفرینی می‌شود. " فرهنگ کاربران است که نوع استفاده از خانه‌ها، مکان قرارگیری، همجواری شان و وسعت کل سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (پوردیهیمی،1390: 6) با این برداشت می‌توان خانه را یکی از عناصر فرهنگی تعریف کرد که فرهنگ منطقه‌اش را عیان کرده و گویای هویت فرهنگی است .

هماهنگی، با شناخت نحوه زندگی و داشتن درک مناسب از آداب و رسوم و مناسبات اجتماعی و ارج نهادن ارزش‌های تاریخی و فرهنگی به‌دست می آید. "برای ایجاد تداوم فرهنگی- اجتماعی، مطالعه و شناخت ویژگی‌ها و خواسته‌های ساکنین واقعی و بالقوه ضروری است" (عینی فر،1379: 111). هماهنگی، با شیوه سکونت در قلمرو زندگی[5] قابل بررسی است. براین اساس هماهنگی و تطابق با محیط فرهنگی در جهت شکل‌گیری هویت فرهنگی است.

وجه فیزیکی خانه

وجه فیزیکی خانه بیانگر شکل کالبدی خانه است. خانه در موقعیت خاصی قرار گرفته و دارای ساختار کالبدی برای محافظت انسان از شرایط جوی و خطرات احتمالی است. توجه به نیازهای فیزیکی انسان، خانه را به مکانی با فضاها و ابعاد و اندازه مشخص در روابطی جهت سهولت انجام فعالیت‌ها تبدیل می‌کند. وجوه فیزیکی، مجموعه‌ای از عوامل است که آن‌ها را می‌توان به بخش‌های زیر تقسیم کرد:

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

1. موقعیت و دسترسی‌های خانه (سهولت دسترسی به مراکز آموزشی و درمانی و..)
2. جنس و نوع مصالح
3. استحکام سازه ای در مقابل سوانح طبیعی
4. تطابق با محیط طبیعی و حداقل مصرف انرژی
5. تعداد، اندازه و روابط بین فضاهای مورد نیاز

هریک از عوامل ذکر شده شرایط زندگی در آسایش فیزیکی را افزایش می‌دهد.

عنصر خیرخواهی در وجوه کیفی خانه

خانه می‌تواند تداعی کننده و انعکاس دهنده خیرخواهی باشد. چنین خانه‌ای انسان را دعوت به خیر و خوبی می‌کند. خانه خیر باید ویژگی‌هایی داشته باشد که برگرفته از خیرخواهی است. این ویژگی‌ها تعیین کننده اصول ماندگاری است که خانه با متصف شدن به آن ارتقای کیفی می‌یابد. در پنج بخش وجوه کیفی با عنصر خیرخواهی همسو شده تا از این طریق بستر لازم برای ظهور و بروز این عنصر در کالبد خانه محقق گردد.

عنصر خیر خواهی در وجه اجتماعی خانه

عنصر خیر خواهی ریشه و اساس ارزش‌های اخلاقی است. بازتاب این عنصر در وجه اجتماعی، در توجه به ارزش‌های اخلاقی جمعی شکل می‌یابد. از جمله نمودهای عنصر خیر خواهی، احسان و نیکوکاری است. توصیه‌های زیادی به‌ویژه در مذاهب به این بعد از زندگی شده است. نیکوکاری از حسنات صفات انسانی است که به شکل‌های گوناگون نمود می‌یابد. در آیه 148 سوره آل عمران، خداوند سعادت دنیا و زندگی نیک و آسایش و آرامش را از آثار احسان و نیکوکاری اشخاص و یا جوامع برشمرده و می‌فرماید:" فاتاهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخرت و الله یحب المحسنین" خداوند ثواب دنیا و پاداش بهتر اخروی را به ایشان بخشید؛ زیرا خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. در آیه 30 سوره نحل نیز با بیان پاداش احسان، مردم را به نیکوکاری تشویق و ترغیب می‌کند.

یکی از ویژگی‌های نیکوکاری، بخشندگی است. بخشندگی در خانه با دعوت از مهمان و مهمان نوازی تحقق می یابد. "اسلام مهمان نوازی را برای حفظ روابط مستحکم خانوادگی، همسایگی و اجتماعی بسیار ترغیب می‌نماید. دید و بازدید، پیوند بین مردم را تقویت می‌کند و به‌عنوان یکی از عناصر مهم در زندگی سالم و اجتماعی از ارزش والایی برخوردار است. مهمان نوازی و سخاوت نسبت به مهمانان بدون افراط کاری، بسیار توصیه شده است."(مرتضی، 1387: 165) در خانه، استقبال از آستانه یا ورودی خانه آغاز می‌شود و با حفظ قلمرو خصوصی، مهمان را وارد فضای مهمان می‌کند که فضایی آرام و با طراوت با اندازه مناسب برای تکریم مهمان است.

از دیگر وجوه نیکوکاری کمک به دیگران است. در آن صورت صرف داشتن روابط اجتماعی برای رفع نیازهای اجتماعی، هدف نیست بلکه داشتن روابط برای کمک کردن به دیگران است. انسان‌ها نیازمند کمک هم نوعان هستند و روابطی که این بستر را فراهم کند مورد پسند و مطلوب می‌باشد. خانه‌ای که بستر انجام این امر خیر را فراهم می‌کند در محلی قرار گرفته است که مردم با موقعیت اجتماعی و اقتصادی متفاوت در آنجا زندگی می‌کنند. در چنین فضای سکونت، امکان همدردی و حل مشکل برای ساکنان فراهم است. قرارگیری واحدهای سکونتی در اندازه‌های متفاوت امکان زندگی برای اقشار مختلف مردم را به‌وجود می‌آورد. از وجوه نیکوکاری احترام به دیگران است که به معنای ارزش و اعتبارگذاشتن به دیگران است. احترام به دیگران در واحد سکونتی به شکل حق همسایگی تعریف می‌شود. در اسلام تأکیدات بسیاری در مورد نوع همسایه و حق

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

همسایگی آورده شده است. از جمله در میزان الحکمه توصیه به گزینش همسایگان پیش از گزینش جای خانه شده و سفارشاتی برای خوش رفتاری و همنشینی با همسایگان و برادران دینی و خلقی با توجه به اینکه تا حدود چهل خانه از هر محور همسایه تلقی شده است (نقره کار،1387: 533). از دیگر تأکیدات اسلام رسیدگی به همسایگان است که از شروط جوانمردی است (غررالحکم، باب همسایگی) بر این اساس حق همسایگی و تکریم آن جزو رسالتهای انسانی محسوب می‌شود که در خانه، این رسالت از طریق هماهنگی و حفظ حرایم ممکن می‌گردد. به عبارتی خانه‌ای که در هماهنگی با بناهای اطراف شکل گرفته و با رعایت اشرافیت، نور و عرصه بندی فضایی ساخته شده، ضمن احترام به همسایگان، ساکنان خود خانه را نیز محترم می‌پندارد.

برای همنشینی و مصاحبت با همسایه در فضای سکونتی به جز فضای داخلی خانه، وجود فضاهای باز یا نیمه باز در مجاورت خانه ضروری است. تارفیق و قاضی [6] از جمله محققانی هستند که به ارتباط آشکار بین طراحی ساختمانهای مسکونی و حرکات اجتماعی ساکنین در فرایند شکل‌گیری و حفظ روابط اجتماعی تأکید می‌کنند. (Hargreaves,2004: 60) فضاهای جمعی با داشتن فضای مناسب برای بازی کودکان و با ایجاد فضاهای باز در مجاورت فضای سکونتی[7]، محلی برای برقراری روابط اجتماعی است. این فضاها موجب شکل‌گیری شبکه‌ای از برخوردهای اجتماعی می‌شود که اتحاد جمعی و هویت فرهنگی را (در سطح همسایگی) تقویت می‌کند (Hargreaves,2004: 63) این فضاها امکان عرصه‌بندی از فضای عمومی به نیمه عمومی را ممکن ساخته و فضای مناسبی برای برقراری ارتباط، مشارکت و همکاری بین ساکنین است. در تصویر 1 نمونه‌ای از این فضاها در واحد همسایگی است.

عدالت در معنای تساوی، نمود عدالت اجتماعی است. در اسلام به تساوی انسانها تأکید شده و در قرآن "ان اکرمکم عندالله اتقیکم"(حجرات،13) تنها ملاک برتری انسان تقوی معرفی شده است. در بخش مسکن، جهت رعایت عدالت اجتماعی، تمام ساکنین از حقوق مساوی در استفاده از خدماتی چون فضای سبز، فضای پارکینگ، خدمات بهداشتی و غیره برخوردار هستند.

ت1. نقشه روستای گورنا کار حسن فتحی، فضاهای باز در واحدهای همسایگی باعث ارتقای روابط اجتماعی ساکنان می‌شود.

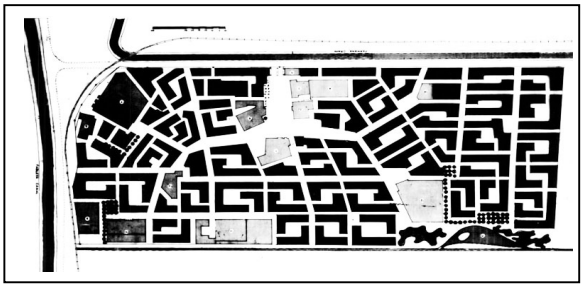

شکل‌گیری ارتباطات جمعی موجب شکل‌گیری هویت جمعی می‌شود. هویت جمعی هویت برگرفته از اشتراکات و تعلقاتی است که بین ساکنان حاکم است. مکان با رویدادهای اتفاق افتاده در آن تعلق جمعی را شکل می‌دهد. هویت جمعی استوار بر خاطرات نیک و پسندیده و نشانه‌هایی است که معانی نیکی را انتقال می‌دهد و یاد آن در انسان تصور زیبایی از حیات را تداعی می‌کند.

عنصر خیرخواهی در وجه روانی خانه

جنبه فردی ارزش‌های اخلاقی در وجوه روانی خانه مدنظر است. یکی از وجوه روانی امکان تطبیق پذیری با شرایط روانی ساکنان است. با در نظر گرفتن عنصر خیرخواهی می‌توان تطبیق پذیری را تطبیق پذیری با شرایط روانی که در مسیر ارزش‌های انسانی باشد، تعریف کرد. به عبارتی انعطاف پذیری برای مطابقت دادن با ویژگی‌های شخصیتی مثبت چون مالکیت نفس، نظم و...اهمیت دارد.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

حفظ حریم خصوصی فرد در خانه ضرورتی است که در راستای احترام به خود و احترام به دیگران ارزشمند می‌شود. ساختار کالبدی آن، عرصه‌بندی فضایی و شکل قرارگیری ورودی خانه به گونه‌ای است که با جداشدن از فضای عمومی امکان دید به فضاهای داخلی خانه را حذف کند. که در فضای هشتی خانه‌های سنتی چنین جداسازی وجود داشت.

هویت شخصی گویای ویژگی‌های منحصر به‌فرد شخصی است که می‌تواند گویای رفتارهای مثبت یا منفی باشد. هویت شخصی با عنصر خیرخواهی در پی متمایز شدن با ویژگی‌های رفتاری مثبت است مانند ویژگی فروتنی که در خانه با اندازه و ابعاد متناسب با خانه‌های دیگر و با حذف تزئینات اضافی حاصل می‌شود. شخصی سازی خانه با بیان وجه تمایزها با اعتماد به نفس و به دور از خودنمایی بروز می‌یابد به عبارتی تفاوت در هماهنگی با دیگر بناها قابل مشاهده است. هماهنگی خانه با محیط اطراف از تعادل روانی ساکنان حکایت می‌کند. علاوه بر آن تعادل در توجه متعادل به تمام نیازها و خواستهای بشری مشخص می‌شود که مبانی طراحی آن تعدد فضایی با اندازه‌های متناسب[8] است.

عنصر خیرخواهی در وجه فرهنگی خانه

هماهنگی با فرهنگ بومی از وجوه فرهنگی است این هماهنگی مغایرتی با توسعه و تحول ندارد. توسعه در جهت عنصر خیرخواهی توسعه‌ای می شود که با ارزش‌های اخلاقی مزین شده است و امکان سنجش و گزینش را فراهم می‌کند. الگوهای بومی خانه که در راستای ارزش‌های اخلاقی باشند قابل شناسایی و به‌کارگیری هستند. برای نمونه اگر خرافه پرستی در فرهنگ بومی مردمی وجود داشته باشد در سیستم ارزشی ذکر شده قابل حذف می‌باشد.

هویت به دست آمده از مکان زندگی، انسان را از سردرگمی نجات می‌دهد. تعادل و هماهنگی با محیط اجتماعی و فرهنگی اگر آغشته به حکمت باشد سنجش و گزینشی را برای جذب بهترین‌ها در جهت سعادت انسان انجام خواهد داد. در صورت این سنجش هویت به دست آمده، هویت سازنده و پایدار خواهد بود که علاوه بر نجات انسان از سردرگمی، او را سعادتمند می‌کند.

عنصر خیرخواهی در وجه فیزیکی خانه

وجه فیزیکی مجموعه عواملی است که با کالبد خانه در ارتباط است. یکی از این عوامل موقعیت خانه است. عنصر خیرخواهی به نحوه ارتباط با همسایگان توجه دارد و این ارتباط در صورتی که با ارزش‌های اخلاقی نیکوکاری و کمک کردن مزین شود، پسندیده می‌باشد. در نتیجه، استقرار خانه در جایی که همسایگان خوب داشته باشد، اولویت دارد.

مفهوم دیگری از تعادل که در وجوه فیزیکی می‌توان بیان کرد، رعایت حد میانه است که می‌توان آن‌را با "پرهیز از بیهودگی" پیرنیا معادل دانست که گویای حد تعادل در مصرف مصالح و ابعاد و اندازه فضاها و .... است. در احادیث به پرهیز از خودنمایی و تظاهر و اسراف در خانه-سازی و رعایت حد اعتدال و نیاز توجه شده است (نقره کار،187: 532). خانه‌ای که در استفاده از مصالح وابعاد و اندازه فضاها بدون پرت فضایی و در حد رفع ضروریات ساخته شود، خانه مناسب است. این خانه به دور از خودنمایی در شکل ساخته شده است. نمونه بازر این خانه‌ها را می‌توان در روستاهای کشورمان مشاهده کرد.

هماهنگی با بناها و ساختمانهای اطراف است که از نظر اندازه، شکل، رنگ و نوع مصالح به‌دست می‌آید چنین خانه‌ای براساس نظر اردلان در" نظم با نواخت و هماهنگ، موجد کثرت در وحدت است" (اردلان، 1380: 79). که در زنجیره متصل و تکاملی با بناهای

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

اطراف شکل می‌گیرد و جزوی از کل می‌شود. هماهنگی بدون فخر فروشی در خانه‌های صدر اسلام وجود دارد. "تواضع و سادگی در نمای خارجی خانه‌ها در صدر اسلام، تا آن حد بود که در برخی از شهرهای اسلامی، تشخیص خانه‌ها از یکدیگر به امری دشوار تبدیل می‌گشت" (مرتضی،1387: 171) نمونه دیگری از این خانه‌ها، خانه‌های بومی است که شکل واحد و هماهنگ از روستا را (تصویر 3) نشان می‌دهد.

ت2. روستای اشتبین(منبع: آرشیو نگارندگان).

ت3. روستای سور(آذربایجان شرقی): رعایت اعتدال در فرم، ابعاد، اندازه و مصالح موجب هماهنگی در بافت روستا می شود. (منبع: آرشیو نگارندگان)

جنبه دیگر تعادل، هماهنگی با محیط اطراف است که این محیط شامل محیط طبیعی نیز می‌شود. تعادل با محیط طبیعی در خویشاوندی با طبیعت پیرامون خویش و استفاده از مصالح بومی ممکن می‌گردد. خویشاوندی با محیط طبیعی از طریق رعایت شرایط محیطی و به‌کارگرفتن عناصر طبیعی در محیط خانه حاصل می‌شود. توجه به فاکتورهای محیطی و به‌کارگیری عناصر طبیعی امکان ارتباط با طبیعت را که یکی از ارتباطات چهارگانه انسان با عالم است، به‌وجود می‌آورد که روشن کننده اهمیت افزایش نسبت فضای سبز و باز به فضاهای ساخته شده در محیط مسکونی است که نمونه‌ای از آن در تصویر 4 آمده است.

ت4. روستای زنوزق(منبع: آرشیو نگارندگان).

عنصر خیرخواهی در وجه معنوی خانه

هدف نهایی از وجود عنصر خیرخواهی در ذات انسان، شناخت خداوند و رسیدن به حقیقت واقعی است از همین رو مظاهری می‌نویسد:" واصلان به مقام لقاء، تهذیب و آراستگی اخلاقی را از مقدمات و منزلگاه‌ها به شمار می‌آورند. "(مظاهری، 1388: 26) که توأم است با فهم اینکه " عالم نهایتاً خیر است، زیرا از خیریت الهی نازل می شود" (نصر، 1385: 278).

برای رسیدن به حقیقت در خانه سه روش پیشنهاد می‌گردد: روش اول استفاده از رمز و تمثیل است و روش دوم ایجاد فضای سکون که امکان تفکر و حرکت درونی برای رسیدن به حقیقت را هموار می‌کند و روش سوم امکان سیر در طبیعت است. در روش اول معمار در خلق خود راز و رمزهایی را به ودیعه می‌گذارد تا با ماهیت تأویل پذیری اثر معماری، ذهن مخاطب رهرو را در جهت کشف معانی نهفته در آن حجاب صورت ترغیب نموده و او را دراین مسیر همراهی کند. در این‌صورت هر خلقی که هنرمند انجام می‌دهد تمثیلی از یک حقیقت

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

وجودی متعالی است. در مسکن سنتی با استفاده از هندسه، نور، رنگ و با ایجاد نظم تمرکز آفرین رموزی از حقیقت مطلق برای سالکان آشکار می‌شود.

در روش دوم برای رسیدن به حقیقت نیاز به تفکر و اندیشیدن است. اسپنسر[9] آن را اینگونه بیان می‌کند:

" برای رسیدن به حقیقت واقعی، نیازمند سالها تفکر هستیم، نه فعالیت، نه دلیل آوردن، نه حساب کردن، نه رفتار شلوغ، نه خواندن، نه صحبت کردن و نه پیشنهاد دادن، تنها صبر کردن در ذهن به چیزی که شخص نیاز به دانستن آن دارد" (Habraken,1998) .

به عبارتی با تفکر می‌توان به خدا نزدیک شد و به سعادت رسید. برای تفکر و تمرکز در فضای سکونتی نیاز به فضای سکون است، فضایی با آرامش و سکون که که امکان سیر در انفس را فراهم می‌کند. در آیه مبارکه " وا...جعل لکم من بیتکم سکنا" از خانه و بیت به‌عنوان محل به آرامش رسیدن یاد شده است. تا انسان در آرامش بتواند سیر در انفس داشته و به خودآگاهی روحی و معنوی برسد. این فضا، با توجه دادن انسان به درون در پی ایجاد فضایی است که حس آرامش و سکون را برای او فراهم کند تا طی کردن مراتب کمال را در جستجوی حقیقت هموار سازد. در روش سوم خانه با ایجاد امکان سیر در طبیعت راه رسیدن به حقیقت را هموار می‌کند با توجه به اینکه یکی از راههای رسیدن به خدا سیر در آفاق است. خداوند در بسیاری از آیات قرآن انسان را دعوت به تفکر در طبیعت می‌کند از جمله سوره الرعد آیه 3 " اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن کوهها و رودها نهاد و از هر گونه میوه‌ها در آن جفت قرار داد. قطعاً در این برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه‌هایی وجود دارد." طبیعت در فضای سکونت و خانه از طریق به‌کار بردن عناصر طبیعی و تلفیق فضای داخلی با طبیعت از طریق ایجاد چشم انداز به سوی طبیعت حضور می‌یابد.

نتیجه

عنصر خیرخواهی ریشه در فطرت انسان دارد و بیانگر گرایش‌های مقدس انسانی است. از این‌رو زبان مشترک انسان‌ها و هدایتگر انسان به سمت فرهنگ متعالی است. دست ساخته‌های بشری به اندازه قرابت با این عنصر ماندگاری و مطلوبیت می‌یابند. یکی از این دست ساخته‌ها که مکان زندگی و شکل گرفته از شیوه سکونت انسان است، خانه می‌باشد. تجلی عنصر خیرخواهی در خانه الگوهای ماندگاری را به خانه متصور می‌سازد که این الگوها فراتر از زمان و مکان بوده و همیشه ارزشمند هستند. در این مقاله پس از شناخت عنصر خیرخواهی و وجوه کیفی خانه، وجوه کیفی همسو با عناصر ویژگی‌هایی را برای خانه مشخص می‌کند که تبیین کننده اصول طراحی خانه خیر است و مصادیق آن را می‌توان در معماری بومی کشورمان جستجو کرد.

خانه‌ای که نمود عنصر خیرخواهی باشد خانه خیر و نیکی است. خانه‌ای است که هماهنگ با محیط اجتماعی، بخشنده، با احترام به حقوق همسایه و بستری برای نیکی و نیکوکاری است که تعلق جمعی به محیط سکونتی را در بین ساکنان تقویت می‌کند. این خانه، خانه‌ای متعادل، نجیب و فروتن است که نمود عینی از ارزشهای اخلاقی فردی است. چنین خانه‌ای ضمن هماهنگی با شیوه سکونت در پی حفظ الگوهای بومی است که ریشه در ارزش‌های انسانی دارد. در خانه خیر به رعایت حد اعتدال در اندازه فضا و استفاده از مصالح تأکید شده است. این خانه در هماهنگی با بناهای اطراف و محیط طبیعی به نیازهای فیزیکی انسان پاسخگو است. در این خانه با خلق فضای سکون برای سیر در انفس و حرکت درونی به سمت معبود ممکن می‌گردد. استفاده از هندسه، نور و رنگ در خانه می‌تواند رموزی از حقیقت مطلق باشد که هدف نهایی از نمود عنصرخیرخواهی در خانه است. در

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

این خانه بـه تمـام وجـوه در رابطـه‌ای متعـادل و هماهنـگ جهت دعوت انسان به خیرخـواهی توجـه شـده اسـت. بـه امید آنکه خانه‌های معاصر، خانه خیر بـرای سـاکنانی باشـد که لذت احسان و نیکوکاری را درک کرده‌اند.

پی نوشت

1. مطهری در کتاب فطرت گرایش‌هـای مقـدس را بـه پـنج گرایش حقیقت جویی، خیر و فضیلت، جمال و زیبایی، خلاقیت و ابداع، عشق روحانی و پرستش تقسیم می‌کند.

2. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص رجوع شود به رساله دکتری" پایداری فرهنگی خانه (بررسی و شناخت عناصر پایدار فرهنگی برای ارتقای کیفی خانه)" تـدوین شـده توسـط پریسـا هاشم پور در دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

3. تئوری هویت اجتماعی اولین بار توسط تاجفل مطرح شده است که بیانگر حس تعلق به گرو های اجتماعی مشخص است. (Tajfel,1981).

4. فرهنگ شامل عناصر پایدار و ناپایداری است کـه عناصـر پایدار در گذر زمان ثابت بوده و عناصر ناپایدار متناسب با شرایط زمانی و مکانی تغییر می کنند.

5. «قلمرو زندگی در خانه حضوری عیان دارد و کنش متقابل فرد، گروه و جامعه را با فضا شامل می‌شـود کـه در چهـارچوب شیوه زندگی و رابطه متقابل آن بـا سـازمان فضـایی خانـه قابـل شناسایی و بررسی است» (حائری، 1388: 175).

6. Twarfig و Abu Ghazi

7. فضاهای باز در مجاورت فضاهای بسته مسـکونی باعـث ایجاد تعادل بین فضای بسته و باز می‌شود که در فرهنگ چینی بر گرفته از نشان (یین- یانگ) که در نهایت هارمونی شکل گرفته است. در خانه‌های چینی فضای باز به اندازه فضای بسته اهمیت دارد و در مجاورت هم به تعادل می رسد :Xiao Hu , 2007) 359)

8. که در خانه‌های معاصر برخلاف خانه‌های سنتی بـا رونـد حذف فضا مواجه هستیم (حائری،1388: 53).

9. G. Spencer- Brown, Lows of form

10. تصاویر منتخب در متن از روسـتاهای منطقـه شـمالغرب کشور است با این استدلال که نمونه بـارز عنصـر خیرخـواهی را می‌توان در مساکن بومی کشورمان دید.

منابع

- اردلان، نادر؛ بختیـاری، لالـه.(1380)، حـس وحـدت: سـنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمه حمیـد شـاهرخ، نشـر خـاک، اصفهان.
- باشلار، گاستون. (1385)، دیالکتیـک بـرون و درون (پدیـدار شناسی خیال)، ترجمه امیر مازیار، انتشـارات فرهنگسـتان هنـر، تهران.
- پوردیهیمی، شهرام.(1390)، فرهنگ و مسکن، مسکن و محیط روستا، شماره 134، 3-18.
- جنکینز ر.(1381)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، نشر شیرازه، تهران.
- حائری مازندرانی، محمد رضا.(1388)، خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تـاریخی و معاصـر بـه‌منظـور تـدوین فرایند و معیارهای طراحـی خانـه، انتشـارات مرکـز مطالعـاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- شار آدام. هایدگر برای معمـاری. (1389)، (تـأملی بـر سـنت معمـاری مـدرن)، ترجمـه و گـردآوری روزبـه احمـدی نـژاد، انتشارات طحان.
- شـوای، فرانسـوا. (1375)، شهرسـازی تخـیلات و واقعیـات، ترجمه محسن حبیبی، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشـگاه تهران.
- شولتز کریستیان نوربری. (1389)، مفهوم سکونت (بـه سـوی معماری تمثیلی)، ترجمه محمود امیر یاراحمـدی، مؤسسـه نشـر آگه، تهرن، چاپ چهارم.
- صدرالمتالهین شیرازی. (1999-1419ق)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج 1و4و7و9، بیـروت، دار احیـاء الثـرات العربی.
- طباطبـایی، محمـد حسـین. (1382)، تفسـیرالمیزان، ترجمـه موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم،ج1.
- عینی فر، علیرضا. (1379)، عوامل انسانی- محیطـی مـؤثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی، هنرهای زیبا، شماره8، 39-50 .
- فتحی، حسن. (1382)، ساختمان سازی با مردم، ترجمه علـی اشرفی، دانشگاه هنر، معاونت پژوهشی.
- کوپر، کلر مارکوس.(1382)، خانه نماد خویشتن، ترجمه احد علیقلیان ، خیال 5 فصلنامه فرهنگستان هنر.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]

- لنگ، جان.(1381)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مرتضی، هشام. (1387)، اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی، کیومرث حبیبی. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- مسائلی، صدیقه. (1388)، نقشه پنهان به مثابه دست آورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره 37.
- مطهری، مرتضی.(1379)، فطرت، انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم.
- مظاهری حسین.(1388)، کاوشی نو در اخلاق اسلامی: مقدمات و شئونات حکمت عملی، ترجمه محمد رضا آژیر و محمود ابوالقاسمی، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- ندیمی، هادی. (1386)، درس‌هایی از معماری سنتی ایران، مجموعه گفتارهای اولین و دومین هم اندیشی مباحث معماری، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- نصر، حسین.(1385)، معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ سوم.
- نقره کار، عبدالکریم.(1387)، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت طرح و نشر پیام سیما.
- Anpoll,R.(1997). *The perceived quality of the urban residential environment*. A multiattribute evaluation PHD-thesis, Center of Energy and Environmental studies(IVEM). University of Groningen(RUG), The Netherlands
- Bardo, J.W. (1984). *Sociospatial Predictors of Community Satisfaction*, Journal of Social Psychology, 122, 189–198.
- Bratt, R. G. (2002). *Housing and family well-being. Housing Studies*, Vol.17, 13–26. doi:10.1080/02673030120105857.
- Candilis. G, Ardalan,N. (1976) *Habitat Bill of Right, Hamdami Foundation*, Tehran
- Emmanuel D. Fladzo, Jack E.(2001). *HOUSTON and DEBORAH D. GODWIN ESTIMATING HOUSING QUALITY FOR POVERTY AND DEVELOPMENT POLICY ANALYSIS: CWIQ IN GHANA*, Social Indicators Research 53: Kluwer Academic Publishers. Printed in the Netherlands,137–162.
- Eriksson Jan,(1994). *Dwelling Values Aspects of Housing Quality*, ENHR Conference in Glasgow.
- Gibson, Marcia , Thomson Hilary, Kearns Ade, Petticrew Mark.(2011). *Understanding the Psychosocial Impacts of Housing Type: Qualitative Evidence from a Housing and Regeneration Intervention*, Housing Studies, Vol. 26, No. 4, 555–573
- Godwin.(2001). *DEVELOPMENT POLICY ESTIMATING HOUSING QUALITY FOR POVERTY AND DEVELOPMENT POLICY ANALYSIS: CWIQ IN GHANA* Social Indicators Research 53: 137–162, 2001 © 2001 Kluwer Academic Publishers. Printed in the Netherlands.
- Habraken, N.J.(1998). *The Structure of the ordinary, The MIT Press*. Cambridge, Massachusetts. London, England.
- Hargreaves. A,(2004). *Building communities of place: Habitual movement around significant places*, Journal of Housing and Built Environment. Vol 19,49-65.
- Hauge, Å. L.(2007). *Identity and place – a comparison of three identity theories*. Architectural science review, 50(1)44–51.
- Katherine H. Leith.(2006). *Home is where the heart is…or is it?* A phenomenological exploration of the meaning of home for older women in congregate housing. Journal of Aging Studies, Vol 20, Issue 4.
- Kowaltowski Doris C.C.K, Granj A. D.(2011).*The concept of desired value as a stimulus for change in social housing in Brazil*, Habitat international.doi:10.1016. 1-12
- Lawrence, R. (1995). *Deciphering home: an integrative historical perspective*. In D. Benjamin & D. Stea, (Eds), The Home: Words, Interpretations, Meanings and Environments. Ethnoscapes: Current Challenges in the Environmental Social Sciences. Aldershot: Avebury.
Levinas,E.(1971). *Totality and infinity. An essay on exteriority*. The Hague/Boston/London: Martinus Nijhoff Publisher.
- Meng Gang, Brent Hall G.(2006). *Assessing housing quality in metropolitan Lima, Peru, housing built environment*, DOI 10.1007/S10901-006-9058-1.413-439.
- Rapoport, Amos and Newton Waston. (1972), *Cultural Variability in Physical Standards*, New York: Basic Books.
- Rapoport,a.(1990). *Systems of activities and systems of setting, in: S.Kent, Domestic architecture and the use of space*, Cambridge University of Press.
- Shaw, M. (2004). *Housing and public health, Annual Review of Public Health*, 25(1), pp. 397–418.
- Strassmann, W. P. (1998). *The third world*. In W. V. Vliet (Ed.), The encyclopaedia of housing. Thousand Oaks—London—New Delhi: SAGE Publications.
- Thomson, H. & Petticrew, M. (2005) *Is Housing Improvement a Potential Health Improvement Strategy?* Geneva: WHO Health Evidence Network (Geneva: WHO).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-16]